

گزارشی سفر مغرب

دکتر سید محمد باقر حجتی

پس از بازگشت سفر حج در ساعات بامداد روز پانزدهم خرداد ۱۳۷۲، (شب شانزدهم) با هواپیمایی شرکت «ارفرانس» عازم پاریس شدم. و چون هواپیما در فرودگاه «دوگل» فرود می‌آمد، و باید برای سفر به مغرب از فرودگاه «اورلی» استفاده می‌کردم و ویزای انتقال از فرودگاه نخست به فرودگاه دوم را دریافت می‌نمودم در فرودگاه دوگل به علت عدم آگاهی لازم نسبت به تشریقات ورود و خروج و دریافت ویزا، مدتی قریب به نیم ساعت در سرگردانی به سر می‌بردم تا سرانجام یکی از برادران ایرانی به نام آقای افتخاری به اینجانب نزدیک شد و سؤال کرد شما فلانی هستید، پاسخ دادم آری. خود را معرفی کرد و خاطر نشان ساخت از کارمندان سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس هستم و ساعاتی است که در انتظار ورود شما به سر می‌برم تا برای انتقال به فرودگاه «اورلی» شما را راهنمایی کنم.

ایشان از هیچگونه مساعدتی در این باره دریغ نکردند و با دریافت ویزا اینجانب را تا فرودگاه «اورلی» همراهی کردند که بدینوسیله از مساعدتها و زحمات ایشان قدردانی می‌کنم. و همچنین از آقای شیخ امامی مسئول هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران که محبت‌های ایشان نیز در خور تشکر فراوان می‌باشد.

ساعاتی بسیار طولانی در فرودگاه توقف داشتیم و سرانجام بعد از ظهر روز ۱۶ خرداد ۱۳۷۲ در فرودگاه رباط پیاده شدیم و دانشمند محترم حضرت حجة الاسلام

والمسلمین جناب آقای میرابوالفتح دعوتی مسؤول فرهنگی سفارت ج.ا.ایران در رباط همراه با جناب آقای سعید باطنی در فرودگاه حضور یافتند و با محبتهای فراوان اینجانب را تا هتل رساندند، و پس از مدتی گفتگو با جناب آقای دعوتی و کسب اطلاعات لازم در مورد سمپوزیوم یاد شده چون دیدند بسیار خسته و فرسوده‌ام هتل را ترک گفتند و به انتظار فرارسیدن روز انعقاد این سمپوزیوم که از ۱۸ خرداد آغاز می‌شد و تا روز بیستم خرداد ادامه می‌یافت، ناگزیر به علت بی‌خوابیهای چند شبانه روز که از مکه تا مغرب ادامه یافت مقداری از روز شانزدهم و تمام روز هفدهم را به استراحت پرداختم، و با جناب آقای دعوتی (سلمه‌الله تعالی) طی این دو روز، چند بار ملاقات کوتاه داشتم.

دعوت برای شرکت در سمپوزیوم:

هنگامی که از مدینه منوره به مکه مکرمه رفتیم پس از چند روزی توقف در مکه از طریق فاکس و تلفن اطلاع یافتیم که اینجانب برای شرکت در سمپوزیوم هماهنگی مراکز مخطوطات دعوت شده‌ام، تلفنی از جناب آقای دعوتی خواستم اینجانب را از شرکت در آن معذور بدارند، چرا که می‌دیدم باید سخنرانی ایراد کنم، و فرصت برای تهیه مقاله و آمادگی لازم جهت سخنرانی بسیار کوتاه می‌نمود.

باری، طی مدت کوتاه توقف در مکه در چند روز آخر، مقاله‌ای را تحت عنوان «مرور علی‌الکتاب و الکتاب من منظار القرآن و الحدیث و التعریف بکتاب کشف‌الفهارس» سامان دادم تا با دست خالی در این سمپوزیوم شرکت نکرده باشم. به هر صورت این سفر همراه با مشکلاتی که با آن از فرودگاه مهرآباد تا فرودگاه رباط با آنها مواجه بودم انجام گرفت، ولی محبت‌هایی که در رباط از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران و بهره‌های علمی که از سمپوزیوم یاد شده و دیدار و ملاقاتهای متعددی که نصیبم گشت همه این مشقات را با چند برابر آن جبران کرد.

الف - شرکت در سمپوزیوم و گزارش سخنرانیها و مقالات مربوط به آن
شروع جلسات سمپوزیوم «هماهنگی میان مراکز مخطوطات»:

مقدمتاً یادآور می‌شویم اجلاس مذکور از سوی «سازمان اسلامی تربیت و علوم و فرهنگ» در تاریخ ۱۸ تا ۲۰ خرداد ۱۳۷۲ ه.ش در رباط برگزار شد. این سازمان به نام

«المنظمة الإسلامية للتربية و العلوم والثقافة» معروف است که متأسفانه نخست انرا به زبان انگلیسی :

Islamic Educational Scemtific and Cultural organization.

ترجمه کرده و آنگاه با تعبیر «ایسسکو» یا «آسیسکو» که خلاصه و فشرده تعبیر انگلیسی است از آن یاد می کنند و به سازمان «آسیسکو» معروف است. سازمان یاد شده وابسته به «سازمان کنفرانس اسلامی» است و مانند «آرسیکا» و جز آن شعبه ای از سازمان مذکور به شمار می رود که مرکز «آسیسکو» در رباط است.

دکتر عبدالعزیز بن عثمان تویجری، سمت مدیریت کل را در این سازمان به عهده دارد که از مردم مغرب نیست، وی سعودی و اهل عربستان می باشد؟ که فقط در جلسه افتتاحیه شرکت و ایراد سخنرانی کرد.

خوشبختانه دبیر سازمان یعنی آقای دکتر علی قاسمی که اهل نجف و از مردم عراق است شیعی می باشد، منتهی این موضوع برای همگان آشکار و برملا نیست. اگرچه علناً و در حضور دیگران صمیمیتی آنچنان به اینجانب نشان نمی داد، لکن بارها با نامبرده به دور از اغیار دیدارهایی داشتیم که طی آنها از محبتها و عنایات ایشان برخوردار بودم، و همواره از من جویا می شد که اگر مشکلی در کار است برطرف سازد.

باری زبانی که می باید در اجلاسهای این سمپوزیم بدان ایراد خطابه می شد عربی، انگلیسی، و فرانسه بود، این سازمان دارای اساسنامه و قراردادی است که از سوی کنفرانسی که در شهر «فاس» برای بنیاد کردن این سازمان در ۱۴۰۲ ه.ق = ۱۹۸۲ م منعقد شده بود تنظیم گردید، و آنگاه در کنفرانسی استثنائی و موسمی دیگری که در ۱۴۰۷ ه.ق = ۱۹۸۶ م در رباط انعقاد یافت اساسنامه مذکور تعدیل و بازسازی گردید. این اساسنامه و یا قرارداد در ۲۲ ماده سامان یافته که در یک مجلد به زبان عربی، انگلیسی، و فرانسه به طبع رسیده است.

جلسه افتتاحیه : سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۷۲ = ۱۹۹۳/۶/۸ م

۱- خطابه دکتر عبدالعزیز تویجری :

این جلسه با تلاوتی از آیات قرآن کریم افتتاح شد، آنگاه دکتر عبدالعزیز تویجری پس از تحیت و تهنیت به میهمانانی که از کشورهای مختلف به مغرب آمده و در این سمپوزیم شرکت کردند اظهار داشت:

«میلیونها نسخه‌های خطی به زبان عربی و غیرعربی اسلامی، که به خط عربی نگارش شده‌اند در کتابخانه‌های جهان وجود دارند، لکن در خلال دو قرن گذشته فقط حدود دویست هزار نسخه از نسخه‌های خطی به طبع رسیده‌اند، و شمار زیادتری از این رقم هنوز در کتابخانه در صف انتظار طبع و نشر به سر می‌برند که باید علاوه بر کشف مراکز نسخه‌های خطی و تشخیص و ترمیم و فهرست‌نگاری برای این نسخه‌ها به طبع و نشر آنها همت گمارد. قلت اعتناء و اهتمام به نسخه‌های خطی در کشورهای اسلامی موجب گشت شمار بسیار زیادی از این نسخه‌ها و گنجینه‌های گرانبها از رهگذر فروش و اهداء و احیاناً به وسیله سمسارها از ممالک اسلامی بگریزند و در اختیار ممالک بیگانه از اسلام قرار گیرند. باید دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مقام تقویت مراکز مخطوطات اسلامی برآمده و کارکنان این مراکز را در شؤون مختلف مربوط به نسخه‌های خطی تعلیم دهند. باید این مراکز با فرآورده‌های تکنیکی پیشرفته و متناسب با نیازشان مجهز گردند. باید عکس‌برداری و تحقیق و نشر نسخه‌های خطی از هر جهت مورد تشویق و تأیید قرار گیرد.

۲- خطابه استاد محمد زعیمی، رئیس دانشکده علوم تربیتی:

محمد زعیمی طی بیان کوتاه و فشرده‌ای ضرورت اهتمام به نسخه‌های خطی را-که حامل عرصه‌های مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی است- خاطر نشان ساخت، وی از طرف دانشکده علوم تربیتی از اهتمام سازمان آسیسکو به خاطر عنایتی که در جهت پیشبرد فرهنگ اسلامی از سوی این سازمان مبذول می‌گردد تقدیر به عمل آورد.

پس از دقایقی استراحت، راجع به اهداف اجتماع مسؤولان مراکز نسخه‌های خطی در این سمپوزیوم مطالبی بیان شد و گزارشهایی درباره اوضاع و شرائط و مشکلات و نیازها و کمبودهای مراکز یاد شده طی سخنرانیهایی که از سوی پاره‌ای از مسؤولان مراکز مخطوطات ایراد شد حقایقی به اطلاع شرکت‌کنندگان رسید.

بعد از ظهر همین روز تا دقایقی پس از ساعت شش به مناقشه و بحث و گفتگو پرداختند و راه‌حلهایی ارائه شد که بیشتر جنبه مالی و اقتصادی داشت و احیاناً سخنانی مطرح می‌شد مبنی بر اینکه پاره‌ای از مراکز مخطوطات با کمبود کارشناسان نسخه‌های خطی روبه‌رو است که باید با تعلیم دادن کتابداران مربوط و امداد مالی، این کمبودها را جبران نمود.

مجموعاً در این سمپوزیم خطابه‌هایی ایراد شد و مقاله‌هایی عرضه گردید که خلاصه‌ای از آنها را گزارش می‌کنیم:

- دکتر احمد فواد سید از مصر: (تحت عنوان «دارالکتب المصرية، و صيدها المخطوط و دورها فی نشر التراث و وسائل تطویرها»):

وی نخست اظهار داشت حدود سه میلیون نسخه خطی اسلامی در دنیا وجود دارد (اگرچه نمی‌توان این رقم را آماری توأم با دقت برشمرد). سپس درباره تاریخ کتابت و تدوین کتب در اسلام اشاراتی داشت و به نقل از یحیی بن ابی طیء، مورخ شیعی راجع به کتابخانه فاطمیه مصر یادآور شد: این کتابخانه حاوی ششصد هزار مجلد کتاب بوده است. و از کتاب «الذخائر والتحف» چنین بازگو نمود که کتابخانه فاطمیه مصر دارای چهل مخزن برای کتابها بوده که هیجده هزار کتاب از این کتابخانه اختصاصاً به علوم قدیم مربوط می‌شد، و دارای دو هزار و چهارصد مجلد قرآن کامل در جعبه بوده که همگی آنها آراسته و مزین به زرو جز آن بوده است. و بالاخره توصیف دیگران را درباره این کتابخانه بی‌نظیر خاطر نشان شده و تاریخچه‌ای از اوضاع این کتابخانه و آسیب‌ها و دستبردهایی که بدانها دچار آمده بود گزارش کرد، آنگاه راجع به تأسیس «دارالکتب المصرية» مطالبی مبسوط بیان داشت و یادآور شد به علت اینکه قوانینی برای تجارت و خرید و فروش کتب وجود نداشت، شمار بسیار زیادی از آنها از سرزمین مصر به بیرون خزید تا آنکه علی پاشا مبارک، ناظر فرهنگ وقت به اسماعیل پاشا ایجاد کتابخانه‌ای به سبک کتابخانه‌های اروپا را پیشنهاد کرد، و در بیستم ذی‌الحجه ۱۲۸۶ ه. ق. = ۲۳ مارس ۱۸۷۰ م دستور جمع‌آوری نسخه‌های نفیس خطی از دربارها و خانه‌های امراء و علماء و مساجد و بارگاهها و مقابر و مؤسسات علمی صادر شد که در آغاز کار این مجموعه شامل حدود سی هزار مجلد کتاب، مصادر و مجموعه‌های نقشه‌ها بوده است. بعدها بر این شمار، کتابهای محمد علی پاشا افزوده شد، و سرانجام «دارالکتب المصرية» در اول ماه رجب ۱۲۸۷ ه. ق. برای بهره‌برداری و استفاده عموم مردم تأسیس شد.

محل دارالکتب (کتب خانه خدیویه) در آن روزگار در خیابان «درب الجمامیز» قرار داشت، و بر کتابها افزوده می‌شد و شمار زیادی از کتب کتابخانه‌ها از قبیل احمد تیمور پاشا، احمد طلعت، احمد زکی پاشا و... به این کتابخانه منتقل گردید و اشخاص خیر نیز کتابهای زیادی به این کتابخانه اهداء کردند، و از زمانی که بر سر آن شدند که اینگونه

کتابخانه‌ها و کتب به «دارالکتب المصرية» وارد شود ساختمان بزرگی برای آن در وسط میدان «باب‌الخلق» (احمد ماهر) بنا شد و کتابها بدانجا منتقل گردید، و سپس به ساختمان دیگری در «کورنیش نیل» در منطقه رمله بولاق جابه‌جا شد.

در سال ۱۹۴۲ ه.ق فهرستی برای کتابها اعم از چاپی و خطی برای این کتابخانه فراهم آمد، بعداً نسخه‌های خطی را از کتب چاپی جدا کردند و آنگاه اوراق «برّدی» را به زبان انگلیسی ترجمه کرده، و حسن ابراهیم آنرا به زبان عربی برگردان ساخت، و استاد مبشر طرازی برای نسخه‌های خطی این کتابخانه فهرستی در دو مجلد نگاشت که در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ م منتشر شد.

آنگاه دکتر ایمن فؤاد کارهایی را برشمرد که از رهگذر این کتابخانه صورت پذیرفت، و در پایانِ مقال خود دربارهٔ تصمیمات و کوششهایی که در جهت تکامل این کتابخانه از سوی دولت مطرح شده است مطالبی را بیان داشت.

– دکتر عمر احمد همشری، از اردن تحت عنوان «مرکز الوثائق والمخطوطات بالجامعة الاردنية»:

وی که دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اردن می‌باشد و کتابداری را تدریس می‌کند و جای او در این اجلاس در کنار این جانب تعیین شده بود اظهار می‌داشت که اصلاً ایرانی است و نام «همشری» همان «همشهری» است که اسم یکی از بادیهای ایران می‌باشد. خطابهٔ او پیرامون «مرکز اسناد و نسخه‌های خطی دانشگاه اردن» ایراد شد که در این زمینه نیز مقاله‌ای ارائه داد.

دکتر همشری پس از ذکر مقدمه‌ای کلی در مورد ایجاد مرکز اسناد و مخطوطات اردن، بحث خود را آغاز کرد که این مرکز در ۱۹۷۲ م ایجاد شد.

هدف این مرکز، گردآوری اسناد مربوط به اردن، فلسطین و سرزمینهای عربی و اسلامی، و فراهم آوردن سخنرانیها مربوط به تاریخ این سرزمینها و ضبط آنها، و حفظ و صیانت میراث فرهنگی، و بذل سعی و کوشش در فهرست و رده‌بندی و حفظ و گردآوری نوشته‌ها و مؤلفات سفراء و کنسولها که از بلاد عربی کوچیدند، و فراهم آوردن نقشه‌های جغرافیایی و تصویرهای تاریخی سرزمینهای عربی، و فهرست مخطوطات و رده‌بندی آنها – هماهنگ با اصول و مبانی علمی – است. وی پس از گزارش مسائل اداری این مرکز، یادآور شد بودجه این مرکز از سوی دانشگاه اردن به مبلغ

-/۲۵۰۰۰۰ دویست و پنجاه هزار دینار اردنی در سال، و کمکهای جانبی دیگر تأمین می‌شود.

این مرکز هم‌اکنون (۱۳۷۲ هجری شمسی) دارای ۳۰۰ مجلد کتابهای چاپ سنگی، و ۶۰۰ نسخه خطی، و ۲۵۰ نسخه عکسی، و ۳۰۰۰۰ سی هزار میکروفیلم می‌باشد که از طریق خریداری و اهداء و مبادله فراهم آمدند. علاوه بر این تصویر رساله‌های دکتری و اسناد محاکم شرعی، و اسناد گوناگون دیگر و مطبوعات، و فهرستهای مخطوطات و اسناد مربوط به بلاد اردن در این مرکز نگاهداری می‌شود، چنانکه این مرکز اهم مصادر فرهنگ و تمدن اسلامی و فهارس مخطوطات کشورهای دیگر را کمابیش در اختیار دارد. وی پس از گزارش مربوط به کتابخانه مرکز اسناد و مخزن مخطوطات و صیانت و ترمیم و خدمات مربوط به آنها، مشکلات این مرکز را خاطرنشان ساخت مبنی بر اینکه این مرکز دارای ساختمانی اختصاصی نیست و تا به حال سه بار جابه‌جا شده است، شمار کارشناسان کارآمد در این مرکز گرفتار کمبود می‌باشد، و نداشتن فهرست قابل اطمینان برای اسناد مخطوطات و سایر مصادر دیگر از جمله مشکلات این مرکز می‌باشد، چنانکه محدود بودن بودجه آن به مبلغ ۲۵۰۰۰۰ دینار اردنی و عدم ثبات سایر امدادهای مالی، این مرکز را دچار رکود می‌سازد.

دکتر همشری، روی استفاده از کامپیوتر درباره نسخه‌های خطی و اسناد، سخت پافشاری می‌کرد و طرحی را در این زمینه ارائه نمود و توصیه‌ها و پیشنهادهایی را مطرح ساخت که راهنماهای کامل و شامل برای مراکز مخطوطات در جهان اسلام و نیز راهنمای کافی از نام و نشان متخصصان نسخه‌های خطی در جهان اسلام فراهم آید، و از تکنولوژی بهره گرفته، و کارشناسانی خبیر برای مراکز مخطوطات تربیت کرد، و در درسهای کتابداری، مواردی که به مخطوطات مربوط می‌شود برای دانشجویان تدریس شود، و همکاری و تبادل افکار و اطلاعات میان مراکز مخطوطات در جهان اسلام به طور جدی و رسمی معمول و متداول گردد.

- دکتر شارنوکاه الحبيب، از سنگال (تحت عنوان «دراسة عن المخطوطات العربية في السنغال»):

وی که رئیس گروه مطالعات اسلام دانشگاه «شیخ آنت جوپ» شهر داکار سنگال می‌باشد نخست درباره تاریخ پیدایش مخطوطات عربی اسلامی و گردآوری آنها در

سنگال، بحث خود را آغاز کرد که از زمان ورود اسلام به این سرزمین نسخه‌های خطی اسلامی پیدایش خود را آغاز کرد. تأسیس این انجمن در دوران استعمار فرانسوی به سال ۱۹۳۱ م صورت پذیرفت، و در آنروزگار دارای عنوان «انجمن فرانسوی افریقای سیاه» بود. دکتر شارنوگاه پس از گزارش دگرگونی‌هایی که در این مؤسسه پدید آمد ایجاد «بخش مطالعات اسلامی» را یادآور شد و به وسیله «ونسامونتی» که مسیحی بود و آنگاه اسلام آورد در سال ۱۹۶۵ م این بخش به وجود آمد و در صدد برآمد مخطوطات و صیانت آنها را به عهده گیرد. نسخه‌های خطی کشور سنگال در کتابخانه‌های «ویلبارد»، و کتابخانه «شیخ موسی کمر» و کتابخانه «دکتر عامر صمب» نگهداری می‌شوند.

وی قبل از ارائه گزارشی درباره اوضاع مخطوطات «بخش مطالعات اسلامی سنگال» و تجهیزات بخش «مطالعات اسلامی دانشگاه آنت جوپ»، یادآور شد مخطوطات سنگال راجع به موضوعات مختلف به زبان عربی و یا به یکی از زبانهای فرانسوی برای آنها نگارش شده است.

از لحاظ نیروی انسانی شکوه داشت و به عنوان نمونه یادآور شد در سال ۱۹۸۰ م در بخش «مطالعات اسلامی» شش محقق وجود داشت در حالیکه در سال ۱۹۸۳ م به سه محقق تقلیل یافت که یکی از آنها به نام دکتر عامر صمب در ۱۹۸۷ م از دنیا رفت. در این بخش فقط یک ماشین‌نویس زبان فرانسوی وجود دارد که دائمی است و ماشین‌نویس دیگری که به صورت موسمی و قراردادی کار می‌کند. علاوه بر بخش مطالعات اسلامی تمام بخشهای دیگر مؤسسه یاد شده گرفتار تداخل در واحدها هستند یعنی شانزده واحد را در شش واحد - به علت کمبود مالی و اقتصادی - ادغام کردند، و نیروهای انسانی به همان علت در این بخشها و واحدها چند کاره‌اند.

و بالاخره خاطرنشان ساخت به منظور بهبود بخشیدن به وضع مخطوطات در دانشگاه «آنت جوپ» اینگونه سمپوزیم‌ها باید ادامه یابد، و حتی الامکان نسخه‌های خطی، منتشر و عکس‌برداری شوند، و باید علاوه بر تعاون در جهت گردآوری مخطوطات بودجه فزونتری برای بهبود بخشیدن وضع نسخه‌های خطی منظور گردد، و هماهنگی در این زمینه ایجاد شود و نسخه‌های خطی اسلامی سنگال از کشورهای دیگر بدان باز گردد. و بالاخره از مسئولان نسخه‌های خطی اسلامی در اینگونه سمپوزیم‌ها دعوت به عمل آید.

– هیامحمد عبدالله دوسری، از کویت (تحت عنوان: «الخلفية التاريخية لوجود المخطوطات و ظروف نشأة رصید المخطوطات و فهرستها و وضعها الحال و الامكانات المادية والبشرية لاستثمار هذا الرصيد»):

وی پس از ذکر مقدماتی در مقال خود، یادآور شد: قبل از جنگ عراق و کویت مجموعه نسخه‌های عکسی کویت متجاوز از سی هزار عنوان بوده که از نسخه‌های چیستر بیٹی، ظاهریه دمشق، کتابخانه احمدیه تونس، کتابخانه احقاف عدن، و سایر کتابخانه‌ها تهیه شد. علاوه بر این، نسخه‌هایی خطی تعداد ۱۱۶۰ مجلد با ۲۲۶۱ عنوان در این کشور وجود داشت.

آنگاه وی چاپ و نشر نسخه‌های نفیس و کتبی را که در کویت انجام گرفت گزارش کرده و عمده مقاله او چندان ارتباطی با موضوع سمپوزیم نداشت.

– دکتر نهاد نورالدین جرد، از سوریه (تحت عنوان «المخطوطات فی مكتبة الاسد الوطنية»):

وی که مدیریت نسخه‌های خطی کتابخانه اسد در دمشق را به عهده دارد و غالباً بر سخنان دیگران نقد و توضیحی اظهار می‌کرد پس از ذکر مقدمه‌ای درباره اهمیت شام و (دمشق) و کتاب و کتابت و مراکز علمی آن در طول تاریخ، و گردآوری نسخه‌های خطی در این دیار، یادآور شد تحت اشراف «المجمع العلمي العربي» کتابخانه موسوم به «دارالکتب العربیة» پس از استقلال آن از «دیوان المعارف» به «المکتبة الاهلیة الظاهرية» نامبردار شد، و پس از استقلال سوریه، عنوان «دارالکتب الظاهرية» را برای خود احراز کرد. این کتابخانه در آغاز دارای ۲۴۵۳ نسخه خطی بود که از کتابخانه‌های متعددی از دمشق در آنجا گردآوری شد، و کتابخانه «العمریه» از مهمترین کتابخانه‌های مذکور بوده است. ماده اول سند کتابخانه عمومی که در ۱۲۹۹ ه.ق به طبع رسیده است انگیزه‌هایی که موجب ایجاد این کتابخانه گردید در آن گزارش شده که چون کتب وقفی و مورد استفاده عموم مردم، در دست متولیان آنها قرار داشت و مردم از مطالعه آنها محروم مانده بودند دستور صادر شد که کتب و نبشتارها در مقبره ملک ظاهر برای استفاده عموم گردآوری شود.

کتابهای این کتابخانه به دوازده هزار مجلد رسید و نسخه‌های خطی آن از سوی «مجمع العلمي العربي بدمشق» مورد توجه و عنایت قرار گرفت و در نتیجه فهرستهایی

برای آنها فراهم آمد که بالغ به سی مجلد می‌باشد، و این فهرست به صورت موضوعی تدوین شده است. آغازگر نگارش این فهرس دکتر یوسف العش است که بخشی از مخطوطات تاریخ و ملحقات آنرا تدوین کرده و در ۱۹۴۶م به چاپ رسید. و آخرین فهرست، فهرس «المكتبة العمرية» می‌باشد که یاسین سواس آنرا انگاشت و در ۱۹۸۷م طبع و منتشر شده است.

آنگاه دکتر نهاد، کیفیت گردآوری نسخه‌های خطی حلب را عنوان کرد و پس از ذکر تاریخچه‌ای از کتابخانه‌های حلب انتقال آنها را به «مکتبه‌الاسد» در دمشق - که در سال ۱۹۷۹م اساس آن بنیاد شد - توضیح داد. سپس مدیریت‌های نسخه‌های خطی «مکتبه‌الاسد» را که یکی از آنها عهده‌دار حفظ مخطوطات و تهیه فهرست برای آنها است، و دیگری مسئولیت طبع و تجلید و ترمیم و سایر امور را به عهده دارد یادآور شد، و متذکر گردید که شمار نسخه‌های خطی «مکتبه‌الاسد» هم‌اکنون، یعنی در ۱۹۹۳م به ۱۹۱۱۴ مجلد می‌رسد. و آنگاه تجهیزات مربوط به حفاظت و صیانت مخطوطات را برشمرد و سپس کیفیت نگارش فهرستهای نسخه‌های مذکور را تشریح کرد.

نسخه‌های عکسی این کتابخانه بالغ بر ۳۵۰۰ مجلد است که از نسخه‌های خطی «مکتبه‌الاسد» و کتابخانه‌های دیگر سوریه و لبنان و جز آنها فراهم آورده‌اند.

- دکتر مراد رماح، از تونس (تحت عنوان «مکتبه‌القیروان العتیقه و سبل صیانتها»):

دکتر مراد پس از ذکر تاریخ تحولات علمی قیروان، و مذهبی که در آن حاکم بوده و هست یعنی مذهب مالکی، و بالاخره ستایش و تجلیل از این منطقه در تونس - مبنی بر اینکه در ترویج مذهب مالکی در سرزمینهای اسلامی سهم عمده‌ای را به عهده داشته است - آثاری را که مربوط به این مذهب است و در «کتابخانه عتیق قیروان» نگاهداری می‌شود یادآور شده و خاطرنشان ساخت بخش بسیار زیادی از این آثار بر روی پوست نگارش یافته و بزرگترین مجموعه‌ای در جهان به شمار است که کتابها و اسناد آنها بر روی پوست نوشته شده است. وی مدعی بود که تنها کتابخانه‌ای است که با ضایعه حریق و یا دستبرد دچار نیامده و دارای نسخه‌هایی است که کهنترین آنها به سده ۹ و ۱۰ میلادی می‌رسد. مجموع کتب فقهی و اسناد قیروانی که بر روی پوست نگارش شده به دو هزار دفتر و جزوه و سند می‌رسد، و قدیمترین قرآنی که دارای تاریخ

می‌باشد در این کتابخانه به ۲۹۵ ه.ق مربوط می‌شود که به «مصحف فضل» نامبردار است. ضمناً مصاحف غیرمورخی در آن وجود دارد که یکی از آنها به اواخر سده دوم هجری می‌پیوندد، و به خط حجازی نوشته شده است. اوراق مصاحف مجموعاً فزونتر از ۳۵۰۰۰ برگ است که فهرست دقیقی برای آنها تدوین نشده است.

گویا مهمترین بازمانده این مجموعه که بیش از سایر مصاحف، کارهای هنری در آن صورت گرفته مصحف پرحجمی است که به نام زنی در دربار صنهاجی به نام فاطمة پرستار «امیر ابی مناد بادیس بن منصور» فراهم آمده و احمد بن علی وراق آنرا در سال ۴۱۰ ه.ق ساخته و پرداخته است. وی پس از بسط مقال راجع به هنرمندیها و کیفیت خط این مصحف و مصاحف دیگر کارگاههایی که در این کتابخانه برای صیانت مخطوطات به وجود آمده برشمرد و گزارشی درباره آنها متذکر شده است که بس گسترده و ملال آور می‌نمود. آنگاه نسخه‌های خطی منحصراً به فردی را یادآور شد که تحقیق و بازخوانی درباره آنها صورت گرفته و به چاپ رسیده‌اند، و اظهار تأسف می‌کرد که برای نسخه‌های خطی کتابخانه عتیق فهرستی کامل تدوین نشده است. ضمناً باید گفت دانشمند دیگری به نام خلیل النحوی، کارشناس «سازمان عربی تربیت و فرهنگ و علوم» در این سمپوزیم حضور داشته و سخنرانی کوتاهی درباره هماهنگی مراکز مخطوطات ایراد کرد و از اینجانب درخواست نمود که تصویر نسخه‌ای از کتاب «وجوه القرآن» ابی هلال عسگری را برای او ارسال دارم که اخیراً فراهم کرده و برای نامبرده به تونس فرستادم.

– جبریل ابی بکر علی، از نیجریه (تحت عنوان «تاریخ وجود المخطوطات و تاریخ انشاء مراکز المخطوطات العربية و العجمية بجمهورية النيجر»):

وی که رئیس بخش نسخه‌های خطی عربی و عجمی نیجریه است پس از ذکر مقدمه‌ای، راجع به مراکز «بوهما» برای نسخه‌های خطی عربی و عجمی، تاریخچه‌ای را بیان کرد و آنگاه یادآور شد که «بویی غذا» و کوششهای «بوهما» را دنبال کرده و طی دو سال ۵۰۰ نسخه خطی فراهم آورده و پس از آن «جوهمانی» تا سال ۱۹۸۰ م کمتر از صد نسخه خطی جمع‌آوری نمود. وی خاطرنشان ساخت وقتی من به عنوان

مسئول مخطوطات منصوب شدم در موسسه تحقیقات علوم انسانی دو هزار نسخه خطی را شناسایی کردم، و هم‌اکنون در نیجریه ۳۶۰۰ نسخه خطی فراهم آمده که ۱۶۰۰ نسخه آنرا من جمع‌آوری کرده‌ام. آنگاه سیاست و تدبیر خود را در این کار گزارش نمود، و متذکر شد اکثر این مخطوطات بدون تاریخ می‌باشد و حتی عناوینی در آغاز پاره از آنها از قبیل «بسمله» و «حمدله» وجود ندارد. و می‌گفت کارکنان بخش مربوط به نسخه‌های خطی فقط سه نفر هستند که گله داشت بسیار اندک و ناچیز می‌باشند. آنگاه موضوعات مخطوطات را گزارش کرده و بار دیگر یادآور شد فقط دو تن با او همکاری دارند که یکی از آنها به نامه‌نگاری و پاسخ به نامه‌ها مشغول است، و در حقیقت هیچ کارشناس نسخه خطی با او همکاری ندارد.

این مرکز از لحاظ بودجه وضع ثابتی ندارد گاهی دولت و احیاناً یونسکو به این مرکز از نظر مالی مساعدت می‌کنند، و از آن جمله در ۱۹۸۸ م یونسکو پانزده هزار دلار در اختیار این مرکز برای گردآوری و صیانت نسخه‌های خطی قرار داد.

در پایان پیشنهادهایی ارائه کرد که ضمن آنها روی امداد مالی به این مرکز اصرار داشت و می‌گفت پانزده هزار نسخه خطی دیگر در کشورم کشف کرده‌ام و چون بودجه‌ای کافی در اختیار ندارم تهیه آنها برای ما امکان‌پذیر نیست.

— احمد بن محمد یحیی بن فال، از موریتانی (تحت عنوان «الخلفية التاريخية لوجود المخطوطات في موريتانيا»):

وی که رئیس بخش مخطوطات مؤسسه علمی موریتانی است پس از ذکر مقدمه‌ای که ضمن آن از عبدالله بن یاسین به عنوان معلم اول و رهبر حکومت مرابطین یاد کرد از انتشار اسلام و زبان عربی در موریتانی بحث مبسوطی داشت که ضرورتی برای ایراد آن در این سمپوزیم احساس نمی‌شد.

احمد بن محمد یحیی به تاریخ تأسیس کتابخانه‌های موریتانی اشاراتی داشت مبنی بر اینکه آغاز پیدایش این مراکز به زبان عبدالؤمن و حاج عثمان شاگردان قاضی عیاض (م ۵۴۴ ه.ق) مربوط می‌شود. اما کتابخانه‌های کهنی که هم‌اکنون در موریتانی وجود دارد اکثر آنها در سده یازدهم هجری بنیاد شده‌اند. سپس نسخه‌هایی را یاد کرد که از آن جمله کتاب «مروج الذهب» مسعودی است نسخه‌ای که در سده چهارم هجری! بر روی پوست نوشته شده و نیز «تصحیح الوجوه و النظائر» از ابی هلال عسگری که

نگارش آن در قرطبه به سال ۴۸۰ ه.ق صورت پذیرفته است، و چندین نسخه دیگر. وی می‌گفت سیصد کتابخانه شخصی در موریتانی شناسایی شده که ما دویست کتابخانه از این جمع را دیدار کرده‌ایم. و پس از ذکر مطالبی دیگر مشکلات کتابخانه‌ها را خاطر نشان شد مبنی بر اینکه اکثر صاحبان نسخه‌های خطی تجهیزاتی برای صیانت و سلامت آنها در اختیار ندارند، و پاره‌ای از آنها از عرضه مخطوطات شخصی خود امتناع می‌ورزند، و از نظر مالی برای خریداری پاره‌ای از کتابخانه هیچ بودجه‌ای در اختیار ندارند، و مشکلات دیگر که اکثر کشورهای جهان سوم با آنها دست به گریبان هستند. وی راجع به اوضاع و شرایط پیدایش کتابخانه در مراکز ملی گفت: پس از استقلال موریتانی مؤسسه عالی مطالعات و تحقیقات اسلامی حدود ۲۰۰۰ نسخه خطی را جمع‌آوری کرد.

اما نسخه‌های خطی در کتابخانه «قُسم» در «نواکشوط» فزون از رقم ۶۰۰۰ نسخه است که ۲۶۰ نسخه آن ترمیم شده، و برای ۳۵۰۰ نسخه آن فهرستی فراهم آمده، و ۲۴۵۰ نسخه خطی به صورت میکروفیلم را داراست که براساس ندرت و ارزش تاریخی و علمی از دویست کتابخانه موجود در ۸۰ نقطه از کشور موریتانی فیلم از آنها تهیه شده است، و برای ۳۱۴۰ نسخه خطی، مؤسسه تحقیقات علمی موریتانی به زبان عربی و انگلیسی فهرستی را تدوین نمود، و علاوه بر این فهرستهای برای میکروفیلرها نیز تهیه شده است.

– دکتر یحیی محمد ابراهیم، از سودان (تحت عنوان «المخطوط السودانی، النشأة والتطور و الوضع الراهن»):

وی که در «دارالوثائق القومية = مرکز اسناد ملی» سودان کار می‌کند مقدمه‌ای مبسوط درباره خطوط سودانی و جنبش و نهضت تألیف در عهد ترکی (عثمانی) و پیدایش و تطور خطوط سودانی بیان کرد و مطالبی را اظهار داشت که بازگوکننده حرکت تألیف در سودان بوده است. و حتی نام بسیاری از کتب و آثار مؤلفان آنها را با اطنابی ممل در مقال خود آورد. و در مورد اسناد ملی نیز به همین منوال در مقاله خود دچار اطالة سخن شده بود. و در پایان نسخه‌های خطی گزیده‌ای را به سان کتاب فهرست، گزارش کرده، و مجموعاً مقاله او به هیچوجه در خور موضوع سمپوزیم و شایان ارائه نبوده است مگر برای کسانی که به شناسایی نسخه‌های خطی از سودان آنهم

در مورد برخی از آنها علاقه‌ای در خود احساس می‌کنند.

– دکتر جمعه شیخه، از تونس (تحت عنوان «التجربة التونسية في جمع المخطوطات و حفظها و تحقیقها»):

وی که مدیر کل «دارالکتب الوطنیه = کتابخانه ملی» تونس می‌باشد نخست یادآور شد با توجه به اینکه دولت تونس دستور داد همه کتب خطی کتابخانه‌های عمومی و مساجد و زوایا در «دارالکتب الوطنیه» گردآوری شوند می‌توان پی برد که این کتابخانه از نظر احتواء بر نسخ خطی و اسناد و مدارک تا چه پایه پر حجم و برخوردار از اهمیت است.

از اوائل سده دوم هجری «قیروان» به صورت کانون علم و فرهنگ در مغرب اسلام درآمد، و با تشجیع و تشویق امراء از قبیل ابراهیم ثانی (م ۲۸۹ هـ.ق) و المعز لدین الله فاطمی و دولت و حکومت صنهاجیه، نساخ و رواقان و نویسندگان رو به فزونی نهادند، و بالاخره اهتمام به کتاب و کتابت و کتابخانه‌ها تا دوران حکومت حسینیّه امتداد یافت، چون میراث ملی در ارتباط با نسخه‌های خطی در مساجد و زوایا و مقبره‌ها و جز آنها پراکنده بود در ۱۹۶۷ م دستور جمع‌آوری آنها در دارالکتب الوطنیه صادر شده و سرانجام فعلاً این کتابخانه دارای حدود چهل هزار نسخه خطی است و هنوز هم خریداری نسخه خطی برای این کتابخانه ادامه دارد.

دکتر جمعه آنگاه تجهیزات این کتابخانه را به طور مبسوط گزارش نمود، و درباره کتابخانه‌های دیگر نیز بحث کرد، از آن جمله کتابخانه عتیق قیروان که ما قبلاً راجع به آن، ذیل بحث «دکتر مراد رماح» مطالبی را یاد کردیم. راجع به کتابخانه عبدلیه سخن به میان آورد که بسیاری از کتابهای آن در جنگهای مسیحیان اسپانیا در ۹۴۱ هـ.ق به غارت رفت و یا نابود و گرفتار ضایعاتی گشت. این کتابخانه که در جامع زیتونه قرار دارد دارای ۵۱۸۰ مجلد نسخه خطی است. وی نمونه‌های گزیده‌ای از نسخه‌های خطی این کتابخانه را به طور فشرده معرفی کرد.

آنگاه سراغ «کتابخانه احمدیه» رفت که آنرا احمد پاشای اول (م ۱۲۷۱ هـ.ق) تأسیس کرد. در این کتابخانه حدود ۶۴۶۴ مجلد نسخه خطی وجود دارد از آنجمله تفسیر قرآن از یحیی بن سلام بصری تمیمی (م ۲۰۱ هـ.ق) که آنرا ابی داود احمد بن موسی بن جریر ازدی (م ۲۴۴ هـ.ق) روایت کرده، و نسخه در ۳۸۳ هـ.ق تحریر شده

است. و شماره راهنمای آن ۷۴۴۷ می باشد. و کتاب «التمییز والفصل بین المتفق فی الخط والشکل» جمع و ترتیب اسماعیل بن هبة الله بن بادیس (م ۶۵۵ ه.ق) نسخه ای است به خط مؤلف که در شعبان ۶۳۵ ه.ق تحریر شده است. سپس کتابخانه «عطارین» را در مقال خود یادآور شد که دارای ۴۸۹۵ مجلد نسخه خطی می باشد. و آنگاه راجع به کتابخانه «خلدونیه» و تاریخچه آن مطالبی بیان کرد که ضمن آن گفت دارای ۱۵۸ نسخه خطی است. و به ترتیب از کتابخانه «کلیة الشریعة» و چندین کتابخانه شخصی سخن به میان آورد، و نمونه هایی از نسخ خطی پاره از این کتابخانه ها را معرفی کرد. و نسخه های فراوانی را برشمرد که درباره آنها تحقیق و یا مقابله صورت گرفته و به چاپ رسیده اند... او نیز مانند سایرین از کمبود امکانات برای فهرست و صیانت و شئون دیگر مربوط به نسخه های خطی شکایت داشت.

– اسامة ناصر نقشبندی، از عراق (تحت عنوان «الخلفية التاريخية للمخطوطات في العراق و اوضاعها الحاضرة»):

وی که در وزارت فرهنگ و ارشاد عراق، مدیریت «دار صدام للمخطوطات» را به عهده دارد مقاله ای ارائه کرد که در مقدمه آن تاریخچه تألیف و تدوین و کتابخانه های کهن بغداد را گزارش نمود، و سپس کوششهایی که از سوی حکومت های سابق عراق درباره حفظ و جمع و صیانت نسخ خطی مبذول گردید برشمرد، و برای اینکه ضایعاتی که همه کتابخانه های کشورهای اسلامی از پیش بدانها دچار آمدند به این میراث فرهنگی در عراق آسیب وارد نسازد «دار صدام للمخطوطات» تأسیس شد و کتابهای «موزه عراق» (المتحف العراقي) در ۱۹۸۸ م بدانجا منتقل شد و به صورت کانون و مرکزی مسؤول مخطوطات عراق درآمد. این کتابخانه هم اکنون دارای ۴۰۳۵۲ نسخه خطی است که دارای بخشهای مختلف فنی نیز می باشد. قدیمترین نسخه خطی این کتابخانه قطعه ها و برگهایی از قرآن کریم است که به سه قرن نخستین هجری برمی گردد، از آنجمله هفت برگ قرآن که کتابت آن به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) منسوب است. نسخه هایی در این کتابخانه وجود دارد که آنها را محمد بن علی بن مقله وزیر معروف به «ابن مقله» (م ۳۲۸ ه.ق)، و علی بن هلال بن بواب، معروف به «ابن البواب» (م ۴۱۳ ه.ق)، و یاقوت مستعصمی (م ۶۹۸ ه.ق)، و خلیطان معروف دیگر تحریر کرده اند.

قدیمترین نسخه خطی و دارای تاریخ در این کتابخانه عبارت از کتاب «مجل اللغة» از ابن فارس می باشد که در ۴۴۶ ه.ق نگارش شده است.

حدود پنجاه هزار نسخه خطی در ۱۲۲ کتابخانه خصوصی و عمومی و دولتی و شخصی در عراق وجود دارد که در آینده برای آنها فهرست تهیه خواهد شد.

وی فهرستهایی را که تاکنون برای کتابخانه های عراقی تدوین شده و به طبع رسیده اند برشمرده و از آن جمله فهرستهایی که خود اسامه نقشبندی تدوین کرده که شمار زیادی از مجلدات را تشکیل می دهد و یادآور شد که اخیراً از کامپیوتر برای ضبط اطلاعات لازم و مربوط به نسخه های خطی بهره برداری می شود.

- شمار دیگری از کتابشناسان و متخصصان نسخه های خطی در این سمپوزیم مقاله ارائه داده و یا سخنرانی کردند، از آنجمله :

* سید عمر علی از مالزی که مقاله ای به زبان فرانسه ارائه کرد و می گفت ۹۰۰۰ نسخه خطی در مالزی وجود دارد که برای آنها فهرستهایی به زبان فرانسه و عربی در حال نگارش است.

* مونیکو کوهن از فرانسه که مقاله ای تحت عنوان فهرست نسخه های خطی عربی را به زبان فرانسه ارائه داد.

* هادی شریفی از "مؤسسه الفرقان" در لندن. وی که استاد ایرانی است در این مؤسسه کار می کند. وی ضمن سخنرانی خود کارهایی که این مؤسسه تحقیقاتی اسلامی به سرپرستی زکی یمانی وزیر نفت سابق عربستان به عهده دارد برشمرده که به زبان انگلیسی ایراد شده بود و تدریجاً و قسمت به قسمت برای شرکت کنندگان در سمپوزیم به عربی ترجمه می شود.

- در روز آخر یعنی ۷۲/۵/۲۰ اینجانب تحت عنوان "مرور علی الکتابه و الکتاب من منظار القرآن والحديث، والتعريف بكشاف الفهارس وصاف المخطوطات العربية في مکتبات فارس" به زبان عربی سخنرانی ایراد کردم و ضمن آن از کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران که دارای نسخه های خطی نفیس و فراوانی هستند یاد کردم مبنی بر اینکه بسیاری از آنها در جهان اسلام کم نظیر و یا بی نظیراند از قبیل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد، کتابخانه ملی ایران، کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی (قدس سره) در قم، کتابخانه ملی ملک در تهران، کتابخانه وزیری در یزد و چند کتابخانه دیگر

که شماری از آنها هریک دارای ده‌ها هزار مجلد نسخه خطی اسلامی است و گزارش کوتاهی راجع به آنها یاد کردم و ضمناً در معرفی فهرست موضوعی جامعی از نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران که نگارنده آنرا تألیف کرده است مطالبی بیان داشتم مبنی بر اینکه باید در تمام کشور های اسلامی چنین فهرست جامعی برای کتابخانه‌ها فراهم آید تا دسترسی محققان به نسخه‌های مورد نظرشان تسهیل گردد. پس از معرفی این فهرست که نام عربی آن "کشاف الفهارس و وصاف المخطوطات فی مکتبات فارس" است و توسط نگارنده این گزارش یا روش و سیستم ابتکاری خاصی تدوین شده است - بیاناتم با علاقه خاصی مورد توجه قرار گرفت و شماری از آنها درخواست کردند که این فهرست را در اختیار آنها قرار دهم، اما متأسفانه بیش از مجلدی چند در اختیار نداشتم که آنهم در فرودگاه مهرآباد با دشواری زیاد و معطلی و پرس وجوی فراوان توانستم آنها را با خود تا مغرب ببرم.

برای توضیح بیشتر یادآور می‌شود از این فهرست - تاکنون - یک مجلد که به "قرائت و تجوید" مربوط است به کوشش سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی توسط انتشارات سروش در ایران به طبع رسیده و دو مجلد دیگر آن که مربوط به تفسیر است هم اکنون تحت طبع می‌باشد. این کتاب علاوه بر معرفی کتابها و نسخه‌های عربی کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، دارای مقدمه‌ای در تاریخ علم در هر موضوع می‌باشد که فرصت محققان در دستیابی به نسخه‌های مورد نظرشان را از یک هفته تا یکماه به کمتر از یک دقیقه تقلیل می‌دهد، و تاکنون از دو جائرة در کشور جمهوری اسلامی ایران برخوردار شده است:

۱- جائزه رتبه اول طرحهای علوم انسانی در ۱۳۷۰ ه.ش

۲- جائزه تاب سال ۱۳۷۱ ه.ش

در مقدمه سخنرانی خود از مرحوم دکتر علال الفارسی رئیس حزب استقلال مراکش یاد کردم که از ایشان در ایران طی دو کنگره هزاره شیخ طوسی در ۱۳۴۸-۱۳۴۹ ه.ش در مشهد و کنگره سیویه به سال ۱۳۵۳ ه.ش در شیراز دیداری داشتیم. وی ریاست کنگره هزاره شیخ طوسی را به عهده داشت و این کنگره را در مشهد به نحو مطلوبی اداره کرده بود.

اینجانب چند نسخه از مجلد اول این فهرست چاپ شده را برای اهداء به بعضی از محققانی که در این سمپوزیم شرکت داشتند با خود همراه بردم که با ممانعت فرودگاه

روبرو شدم و سرانجام پس از اینکه فهمیدند از مؤلفات خودم می‌باشد اجازه دادند با خود همراه سازم.

قبل از سفر احساس می‌کردم چون تازه از سفر حج، بازگشتم و خسته و فرسوده بودم شرکت در این سمپوزیم از آنچنان ضرورتی برخوردار نیست اما پس از شرکت در آن و به خصوص پس از ایراد سخنرانی که سخت مورد توجه قرار گرفت دریافتم با تمام خستگیها و گرفتاریها این سفر ضروری بوده است. زیرا دیدم که راجع به جمهوری اسلامی ایران اطلاعات کافی درباره نسخه‌های خطی کتابخانه‌های آن در اختیار نداشتند، و گزارشهایی که ارائه کرده بودم برای آنها بسیار مفید و سودمند و جالب بوده است.

* علاوه بر شرکت در سمپوزیم یاد شده و ایراد سخنرانی نسبتاً مفصل در آن، دیدارها و ملاقاتهایی پس از پایان کنگره در پیش داشتیم که برای بنده غیرمترقبه می‌نمود، و قبلاً چنین پیش‌بینی نکرده بودم که این ملاقاتها و دیدارها با استقبال فراوان و آبرومندی روبه‌رو شود.

این دیدارها که به پایمردی دانشمند گرامی جناب آقای دعوتی و نیز احیاناً به وسیله برادر فاضل و ارجمندمان جناب آقای سعید باطنی صورت می‌گرفت به شرحی که در بخش مربوط به گزارش "دیدارها و ملاقاتها" مطالعه می‌کنید صورت پذیرفت.

"بیانیه اختتامیه و قطعنامه یا پیشنهادهای سمپوزیم"
پیرامون اجرای برنامه شماره (۱۱۱/XX/5) ویژه اهتمام به مخطوطات اسلامی که در خط مشی کار سازمان "آسیسکو" برای سالهای ۱۴۱۱-۱۴۱۴ ه.ق (۱۹۹۱-۱۹۹۳ م) قرار گرفته این سازمان با همکاری دانشکده علوم تربیتی رباط و انجمن ملی تربیت و علوم و فرهنگ مغرب اجلاسی را برای مسئولین مراکز مخطوطات اسلامی در کشور مغرب در مدت ۱۷ تا ۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۱۳ ه.ق = هفتم تا نهم ژوئن ۱۹۹۳ م منعقد ساخت.

در این اجلاس بیست و پنج نفر از مسئولین مراکز نسخه‌های خطی اسلامی و سازمانهای عربی و اسلامی و بین‌المللی شرکت کردند.

حاضران در این اجلاس طی جلسه افتتاحیه نخست به آیاتی از قرآن کریم گوش سپردند، آنگاه دکتر عبدالعزیز بن عثمان تویجری مدیرکل سازمان اسلامی خطابه‌ای

ایراد کرد که ورود حاضران و شرکت‌کنندگان را تهنیت گفت، و روی اهتمام سازمان به مراکز نسخه‌های خطی و تجهیز آنها به دستگاههای پیشرفته برای صیانت مخطوطات و همکاری و ایجاد هماهنگی میان این مراکز، در خطابه خود تکیه کرده و یادآور شد که هدف این اجلاس و دیدار، استفاده و بهره‌گیری از تطورات علمی جدیدی است که به فنون و رموز عنایت و اهتمام به نسخه‌های خطی مرتبط است، به این معنی که چگونه می‌توان کیفیت خدماتی را که برای استفاده‌کنندگان از این مراکز انجام می‌گیرد بهبود بخشید. مطالعات و بررسیهای استواری که این سازمان از سوی شرکت‌کنندگان در این اجلاس به دست آورد قبل از هر چیز این نکته را به ما خاطرنشان می‌سازد که این اجتماع اجلاسی موفق بوده و می‌تواند هدفی را که سازمان آنرا دنبال می‌کند محقق و عملی سازد.

این اجلاس، اجتماعی را در سه روز تشکیل داد که گفتگوهای بدین شرح در آنها مطرح گردید:

۱- گذشته تاریخی وجود مخطوطات در سرزمینهای موردنظر، و مهمترین موضوعاتی که نسخه‌های این سرزمینها حاوی آنها بوده و راجع به آنها بحث می‌کند، و شرایط و اوضاع مراقبت از مخطوطات و فهرست کردن آنها و وضع کنونی آنها، و امکانات مادی و انسانی برای بارور ساختن این مراقبت و نگاهبانی.

۲- مشکلاتی که مراکز مخطوطات با آنها روبه‌رو است، و احتیاجاتی که تأمین آنها برای این مراکز، ضروری است از قبیل دستگاههای پیشرفته و دوائر تخصصی در فهرست مخطوطات و تحقیق و عکس‌برداری و حفظ و صیانت، و آماده کردن نسخه‌های خطی نیازمند به ترمیم و تجلید، و کسب اطلاعات پیرامون گنجینه‌های نسخه‌های خطی که صیانت آنها به رده‌بندی و فهرست کردن نیاز دارد.

۳- حرکت و فعالیت برای نشر کتبی که روی آنها تحقیق انجام گرفته صورت گیرد و فهرسی که برای مخطوطات تدوین شده نشر گردد.

۴- استفاده از آخرین و پیشرفته‌ترین تکنولوژی در خدمات مربوط به نسخه‌های خطی و مصوبات مراکز مخطوطات و پیشنهادهای رؤساء و مسئولین نسخه‌های خطی پیرامون خط‌مشی کارها، و کیفیت بهبود بخشیدن این کارها که از رهگذر آن راه‌حلهای عملی و واقعی برای مشکلات مربوط به نسخه‌های خطی ارائه شود.

۵- کیفیت همکاری و هماهنگی و تبادل اطلاعات میان مراکز نسخه‌های خطی

اسلامی.

چون شرکت‌کنندگان در این اجلاس آگاهند که مخطوطات و صیانت و فهرست و تحقیق و نشر و معرفی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سخت علاقه‌مند هستند که باید عملاً در اهتمام به مخطوطات و بالا بردن سطح همکاری و هماهنگی میان آنها و تبادل اطلاعات و تسهیل خدمات برای محققان، تمرکزی به هم رسانند، و بر این باوراند که باید کوششها و توجیه آن در دایره‌ای یک فعالیت هماهنگ و مشترک بسیج گردد شرکت‌کنندگان در این اجلاس توصیه‌هایی را به شرح زیر ارائه کرده و تأکید می‌کنند که

۱- سرزمینهای اسلامی که دارای مراکز ویژه‌ای برای نسخه‌های خطی نیستند امثال این مراکز را ایجاد کنند.

۲- ممالک اسلامی را به کمک‌های مادی و معنوی به مراکز مخطوطات فراخوانند.

۳- باید سرزمینهای اسلامی را بر آن داشت تا بانکهایی برای تصویر نسخه‌های خطی از طریق جمع‌آوری میکروفیلیمهای نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌های جهان غرب و یا سرزمینهایی که میراث فرهنگی خطی اسلامی در آن سرزمینها در معرض تهدید قرار دارند، مانند فلسطین و بوسنی هرزگوین- تأسیس گردد.

۴- تشویق دانشگاه‌ها در ممالک اسلامی به اینکه مطالعات نسخه‌شناسی کتابهای خطی را ضمن تخصصهای آکادمیک- به منظور احاطه موردنیاز در شاخه‌های مختلف این علم- به ویژه در دانشگاهها به عنوان رشته یا گروهی تأسیس کرده و دانشجویان را در ارتباط با تحقیق نسخه‌های خطی تعلیم دهند.

۵- اهمیت نسخه‌های خطی را همانند اسناد تاریخی گوشزد نمایند، و اینکار را در خلال برنامه‌های تربیتی و ارشادی به مردم خاطر نشان سازند.

۶- تعاون و همکاری میان مراکز مخطوطات اسلامی در زمینه عرضه تبادل معلومات و تجارب و کارشناسیها و ارائه آخرین امکانات و توانائیهای موجود در این مراکز، مورد تشویق و تأیید قرار گیرد.

۷- بر مسئله تعلیم احاطه علمی و فنی موردنیاز برای کار و فعالیت در مراکز نسخه‌های خطی از قبیل، فهرست کردن و صیانت و ترمیم و بازنویسی و عکس‌برداری و حفظ و نگاهبانی از نسخه‌های خطی پافشاری شده و بدان عنایت شود.

۸- از مراکز نسخه‌های خطی که کارشناس هستند در کشورهای اسلامی دعوت به

عمل آید که هیأتی را به این مراکز گسیل دارند تا در مقام معرفی مجموعه‌ها و کتابخانه‌ها در مناطقی که دارای نسخه‌های نفیس و کمیاب می‌باشند کوششهای لازم را مبذول دارند.

۹- ضرورت استفاده از تکنولوژی جدید اطلاعات و تأسیس ضوابط و قواعد داده‌هایی که در آن داده‌ها فهرستهای مخطوطات و متون آنها ذخیره می‌شوند.

۱۰- ابتکار ایجاد اجلاس برای مراکز نسخه‌های خطی که هر چندی یکبار زیر نظر سازمان "آسیسکو" به منظور حفظ و ضمانت و همکاری و هماهنگی و تبادل اطلاعات میان این مراکز، تشکیل گردد.

۱۱- تدوین راهنما برای اصول و مبانی فعالیتها در مراکز مخطوطات اسلامی که حاوی ارشادات و راهنمائیهای ویژه برای روش فهرست‌نگاری و حفظ و صیانت و ترمیم نسخه‌های خطی می‌باشد.

ب- ملاقاتها و دیدارها

- ملاقات با آقای دکتر عبدالهادی التازی :

وی که دانشمندی به نام و شخصیتی برجسته در علم و سیاست و عضو آکادمی علمی پادشاهی کشور مغرب می‌باشد و قبلاً نیز سفیر مغرب در جمهوری اسلامی ایران بوده یکی از اساتید پر محبت و عالمی بزرگوار است که پذیرایی گرم و اخلاص و صمیمیت ایشان طی دیدارمان فراموش شدنی نیست. روزی در معیت فاضل ارجمند جناب آقای میرابوالفتح دعوتی به ملاقات ایشان رفتیم. استاد که با تعیین وقت قبلی در انتظار ما به سر می‌برد با گرمی از ما استقبال کرد. بنده یک مجلد "فهرست موضوعی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران" و یک مجلد کتاب "ابن عباس و مکانته فی التفسیر..." را که اخیری به زبان عربی و هر دو از مؤلفات اینجانب بود به نامبرده اهداء کردم که کوششهایم را مورد تقدیر قرار داد. آنگاه کارهای علمی و تحقیقاتی خود را بر شمرده و آثار چاپ شده خود را - که بسیار پر حجم و سنگین می‌نمود - به اینجانب اهداء کرد. آثار مذکور که بسیار محققانه و دقیق نگارش شده و با وضع آبرومندی طبع و تجلید شده‌اند بدین شرح است :

۱- جامع القرویین (المسجد والجامعة بمدینة فاس) در سه مجلد بزرگ، که با کاغذ اعلا و جلد مرغوب در بیروت "دارالکتاب اللبنانی" در سال ۱۹۷۲ م به طبع رسیده

است.

۲- "التاریخ الدیپلوماسی من أقدم العصور الی الیوم"، در ده مجلد با کاغذ گلاسه و جلد بسیار مرغوب در "مطابع الفضالة المحمدية" به سال ۱۹۸۶ م چاپ و منتشر شده است.

۳- ایران بین الامس و الیوم (قراءة جديدة لرحلة ابن بطوطة) از انتشارات "نشر المعهد الجامعی للبحث العلمی، ۱۴۰۴ ه.ق."

وی اظهار می داشت سرگرم تحقیقات متعددی است که در مورد پاره ای از آنها حتی برای احراز صحت مطلب، فرصتهایی طولانی را بدان اختصاص داده و از هیچگونه کوشش و تلاش دریغ نمی ورزد.

گفتگوهای ما بر روی مسائل علمی و فرهنگی محدود بود که مجموعاً قریب به دو ساعت به طول انجامید. در این ملاقات خاطره های اقامتش در ایران تجدید شده آنچنان ما را از محبت خود سرشار ساخت که هنگام تودیع با ایشان احساس شرمندگی می کردیم، به ویژه که در لابلای گفتگوهایش محبت و ولاء اهل البیت (علیهم السلام) را بر زبان می آورده و می خواست از این رهگذر بیش از پیش محبت ما را نسبت به مردم مغرب که از محبت خاندان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برخوردارند جلب کند. در این لحظات به خاطر ما رسید که ارتباط علمی و فرهنگی و حتی سیاسی با اینگونه دانشمندانی سلیم النفس و بی ریا و مخلص می تواند برای پاره ای از اهداف جمهوری اسلامی ایران بسیار کارساز و مفید باشد.

– دیدار از "فاس" و ملاقات با آقای دکتر عبدالوهاب التازی :

قبلاً یادآور می شود خاندانهایی که دارای عنوان "التازی" می باشند در مغرب فراوانند و هم اکنون خانواده هایی که به به "التازی" معروف اند خویشاوندی نزدیکی با هم ندارند، ممکن است در نیا های دور دستشان دارای نسبت و پیوندی نسبی و یا سببی باشند.

به هر حال، آقای دکتر عبدالوهاب التازی مسعود، رئیس دانشگاه "القرویین" در فاس هستند. قبل از سفر به فاس آقای عبدالهادی التازی، تلفنی به عبدالوهاب تازی اطلاع دادند که ما صبح روز جمعه ۲۷ خرداد عازم دیدار فاس و ملاقات با ایشان هستیم. در این روز همراه دانشمند گرامی آقای میرابوالفتح دعوتی عازم فاس شدیم که

فاصله آن تا رباط چندان زیاد نبود، و چند ساعت قبل از ظهر به فاس رسیدیم. استاد عبدالوهاب التازی در نزدیکیهای "جامعة القرویین" در انتظار ورود ما بودند و ما را به "جامعة القرویین" بردند و راجع به نقاط دیدنی این جامعه توضیحاتی می دادند از آن جمله می گفتند: قندیلهایی که بر سقف مسجد آویزه است شمار زیادی از آنها ناقوسهایی است که از کلیسای اروپا به اینجا آورده اند و آنها را به صورت چراغها و قندیلها دگرگون ساختند، بر حاشیه پاره ای از ناقوسها هنوز خطوط لاتینی قابل خواندن می باشد. از این جامعه به عنوان حوزه علمی دینی نیز استفاده می شود، و طلاب در آن علوم دینی را فرا می گیرند. و پاره ای از مدارس و بناها صرفاً برای بازدید توریستها مورد استفاده است.

از کتابخانه این جامعه نیز دیداری داشتیم که مملو از مطالعه کنندگان بوده و در قسمتی از پیرامون سالن مطالعه چند نسخه نفیس قرآن و کتب خطی به چشم می خورد. پس از بازدید "جامعة القرویین" به مقبره ادریس ثانی رفتیم و اندکی در آنجا نشستیم و افراد زیادی در زیر گنبد و سقف این مقبره اذکار و اوراد و اشعاری می خواندند که برای ما چندان مفهوم نبود، لکن احساس می شد که آمیزه ای از روح تصوف و عرفان هر چند که پخته و منسجم نمی نمود - این اشعار و اوراد را رنگ آمیزی می کرد.

ادریس اول که از احفاد امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده در زمان مأمون عباسی در مکه به هنگام موسم حج چون تحت تعقیب بود توسط حاجیان مغرب با لباس مغربی از آنجا گریخت و پس از جریاناتی که گزارش آنها مفصل است به حکومت رسید و مردم مغرب با او بیعت کردند، و فرزند او ادریس ثانی تنها کسی است که در شکم مادر به عنوان جانشین زمامدار یعنی ادریس اول منصوب شد. (البته فرض بر آن نهادند که اگر ذکور به دنیا آمد چنین سمتی از آن اوست) و ادریس اول وقتی که ادریس ثانی در شکم مادر به سر می برد از دنیا رفته بود. به هر حال مردم مغرب به ادریس ثانی بی اندازه احترام گذاشته و می گذارند، و شاید چون از اهل البیت (علیهم السلام) بوده مقام او را ارج می نهند، چرا که مردم مغرب احترام و محبت فراوانی به اهل البیت (علیهم السلام) نشان می دهند. به همین جهت گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با مردم مغرب، عوائد دینی و فرهنگی و سیاسی جالب توجهی را می تواند به ارمغان آورد.

پس از اندکی استراحت در یکی از مهمانخانه های فاس به خاطر پیاده روی زیاد و پس از صرف چای عازم خانه استاد دکتر عبدالوهاب التازی شدیم. نامبرده با تأکید و

اصرار زیاد ما را بر آن داشت تا هر چه زودتر وضو تازه کنیم و برای شرکت در نماز جمعه به مسجد محله اقامت ایشان برویم. وارد مسجد شدیم، مسجدی مملو از جمعیت که کثرت شمار جوانان در این مسجد بسیار چشمگیر بود، و حتی به زحمت جایی برای اقامه نماز پیدا کردیم. خطبه نماز با توصیه‌های دینی آغاز و ادامه یافت و نسبتاً مختصر بود. پس از فراغ از اقامه نماز به منزل عبدالوهاب التازی بازگشتیم که ایشان سه تن از رجال فرهنگی و دینی را نیز در آن روز دعوت به صرف ناهار کردند از آنجمله استاد حاج احمد بن شقرول رئیس مجلس علمی فاس و نیز مفتی فاس و یکی از استادان دانشکده ادبیات این شهر در آن شرکت داشتند، و ساعاتی به مذاکراتی حول علاقه و احترام مردم مغرب به اهل البیت (علیهم السلام) گذشت، و این بنده نیز عمده فرصت این گفتگوها را با خواندن اشعاری عربی از محمد بن ادریس شافعی و ذکر روایاتی مناسب مقام از صحاح و مطالبی گوناگون درباره اهل البیت (علیهم السلام) - در اختیار خود گرفتم که با تحسین و تقدیر آنان روبه‌رو شده و حتی رئیس مجلس علمی اظهار داشت، ما مانند شما شیعی! هستیم و اهل البیت را کمتر از شما ارج نمی‌نهم.

آقای التازی با تمهید ناهار بسیار مفصل و با شکوهی از ما پذیرایی کرد و محبت‌هایی مبذول داشت که نمی‌توان آنها را فراموش کرد. به هر صورت این ملاقات که مجموعاً حدود پنج شش ساعت به طول انجامید برای معرفی جمهوری اسلامی ایران و اوضاع فرهنگی و علمی کشورمان بسیار مفید و سازنده بود که شرح آن موجب اطاله سخن می‌گردد. اجمالاً در آنان شیفتگی و علاقه شدیدی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و آرمانهای مقدس انقلاب اسلامی پدید آمد و ما با به جا گذاشتن این یادگار نیک با همگان تودیع کرده و از فاس همراه دوست دانشمندان جناب آقای میرابوالفتح دعوتی عازم بازگشت به رباط شدیم اما سزا دیدیم با دانشمند و نویسنده دیگری در فاس ملاقاتی داشته باشیم:

– ملاقات با عبدالحی حسن العمرانی :

در راه بازگشت از فاس با نامبرده حدود یک ساعت نشست داشتیم. وی نویسنده مجلس علمی فاس، استاد قانونگذاری اسلامی در دانشگاه محمد بن عبدالله در همین شهر و بازرس وزارت تربیت ملی، و مستشار سابق کشور مغرب و کارشناس سازمان معروف آسیسکو است. العمرانی از دانشمندانی است که طرفدار انقلاب اسلامی است و

نسبت به دانشمندان دیگری که در مغرب با آنها دیداری داشتیم از نظر مالی در سطح بسیار پائین تری زندگانی می‌کند. وی در فاس خانه‌ای نسبتاً کوچک و فاقد تشریفات معمول دارد و انتقاداتی در مورد کشور خود اظهار می‌داشت که حق به جانب او می‌نمود.

این دانشمند که جوانتر از دیگران به نظر می‌رسید در نویسندگی فردی پرکار به شمار می‌آید که تا به حال چند کتاب تحت عناوین زیر را نگاشته و به طبع رسانده است

- ۱- الاسلام دین و دولة و نظام.
- ۲- ارض العروبة.
- ۳- حكومة الرسول (ص).
- ۴- الشوری فی المغرب.
- ۵- تحت ظلال القرآن والسنة.
- ۶- الحكم الاسلامی.
- ۷- عمر بن الخطاب الخليفة المجتهد.
- ۸- الاسلام و تنظيم النسل.

– ملاقات با دکتر محمد المنونی، استاد آموزش عالی دانشکده ادبیات رباط :

وی که در ۱۹۱۹ م در "مکناس" به دنیا آمد فعلاً از استادان دانشکده ادبیات و علوم انسانی رباط می‌باشد، و تخصص او در تاریخ تمدن مغرب، و کتابشناسی است. و تاکنون برنده دو جائزه در سالهای ۱۹۶۹ م و ۱۹۸۸ م در مغرب شده است. منونی از اساتید سالخورده رباط است که حدود هفتاد و چهار سال عمر را پشت سر گذاشته است. به هنگام ملاقات ما بیمار بوده که حالشان اندکی رو به بهبودی نهاده بود. او مردی متواضع و خلیق و بی‌اندازه خاکسار و فروتن به نظر می‌رسید و با محبتی فراوان از ما پذیرایی به عمل آورد.

المنونی که از اساتید برجسته مغرب می‌باشد کتابهای متعدد و سودمندی را تألیف کرده و مقالاتی پرمایه نگاشته که اکثر آنها کم‌نظیر می‌باشند، کتابها و مقالاتی عمیق و ماندنی که از آنجمله‌اند :

- ۱- تاریخ الوراقۃ المغربية، که درباره هنر خط مغربی از قرون وسطای اسلامی تا زمان معاصر تدوین شده، کتابی است که بسیار محققانه و مبسوط نگارش یافته و در "مطبعة النجاح" دارالبیضاء در ۱۹۹۱ م به طبع رسیده است.
 - ۲- المصادر العربية لتاریخ المغرب. مجلد دوم این کتاب در تاریخ مغرب و مربوط به سالهای ۱۷۹۰ تا ۱۹۳۰ م است و آقای منونی همین مجلد دوم و کتاب تاریخ الوراقۃ را که در اختیار داشت به اینجانب اهداء کرد. کتاب اخیر در ۱۹۸۹ م در مطبعة "الفضالة-المحمدية" مغرب به طبع رسیده است.
 - ۳- العلوم و الاآداب و الفنون فی عصرالموحدین، چاپ ۱۹۵۰ م.
 - ۴- تاریخ ركب الحاج المغربي، چاپ ۱۹۵۳ م.
 - ۵- ورقات عن الحضارة المغربية فی عصر بنی مرین، چاپ ۱۹۸۰ م.
 - ۶- مظاهر یقظة المغرب الحديث، در دو مجلد، چاپ ۱۹۸۵ م.
 - ۷- منتخبات من نوادرالمخطوطات بالخزانة الحسنية، چاپ ۱۹۷۸ م.
 - ۸- دلیل مخطوطات دارالکتب الناصرية بتمکروت، چاپ ۱۹۸۵ م.
 - ۹- فهرس المخطوطات العربية بالخزانة العالیة بالرباط (جزء اول) چاپ ۱۹۷۴ م.
 - ۱۰- فهارس مخطوطات الخزانة الحسنية بالرباط (جزء اول) چاپ ۱۹۸۳ م.
- وی حدود یکصد و پنجاه مقاله تحقیقی دارد. پنج عدد از این مقالات را که در دسترس داشت به اینجانب اهداء کرد.
- چون دیدیم استاد بیمار است توقف ما نزد ایشان چندان طولانی نبوده به ویژه اینکه احساس کردیم بیش از هر چیز به استراحت نیازمند است.

- دیدار از "الخزانة الحسنية" کتابخانه حسنيه

روز شنبه ۲۴ خرداد ۷۲ حدود ساعت چهار بعدازظهر از این کتابخانه دیداری داشتیم و قبلاً با مذاکره‌ای که انجام گرفت آقای محمدالعربی الخطابی، رئیس کتابخانه و مرکز اسناد پادشاهی در رباط که به "الخزانة الحسنية" معروف است در انتظار ما بود. این کتابخانه سابقاً در پایتخت پیشین مغرب یعنی "فاس" قرار داشت که مخصوص خاندان سلطنتی بود، لکن پس از انتقال آن به رباط در سال ۱۹۶۲ م- آنگونه که آقای خطابی اظهار داشتند- در آن بر روی عموم مردم گشوده شد، و هم‌اکنون می‌توانند از آن استفاده کنند.

جای یادآوری است که در مغرب از کتابخانه‌هایی این چنین به "الخزانة" تعبیر می‌کنند، و کلمه "المکتبة" را درباره کتابفروشی به کار می‌برند. چنانکه در مشارقة اسلام استعمال این اصطلاح یعنی "الخزانة" درباره کتابخانه‌ها کمابیش معمول بوده و هست، و کتابدار را "خازن" می‌گفتند و می‌گویند. تصور آقای خطابی چنین بود که این اصطلاح در مغرب متداول است، در حالیکه می‌دانیم در مشرق اسلام نیز این اصطلاح با مشتقاتی از آن در مورد کتابخانه و متعلقات آن کمابیش دارای کاربرد پیشینه‌داری بوده و هست.

باری در این کتابخانه هر چندی یکبار نسخه‌های جمالب و نفیس و کهن را در ویتترینهای زیبایی در معرض نمایش قرار داده و مشخصات نسخه‌ها نیز در کنار آنها دیده می‌شود تا دیدارکننده به نفاست آن نسخه‌ها آگاه گردد.

خطابی اظهار می‌داشت این کتابخانه دارای حدود بیست هزار مجلد نسخه خطی است. آن بخش از نسخه‌هایی که نوبت نمایش آنها در ویتترینها رسیده بود و ما از آنها دیدار کردیم نسخه‌هایی بس نفیس می‌باشند و از آنجمله قانون ابن سینا است که بر روی پوست نگارش شده بود. و دیگری مقدمه ابن خلدون به خط خود او، و مصاحفی بس گرانقدر و مکتوب بر روی پوست به خط کوفی، و بسیاری از مخطوطات دیگری که هر کدام از آنها برای پی بردن به نفاستشان فرصتی طولانی را درخواست می‌کرد. تصورم بر این است که این کتابخانه از ذخائری بس ارجمند در جهان اسلام به شمار است که باید در تصحیح بسیاری از نسخه‌ها از آنها بهره جست.

نسخه‌های نفیس دیگری در ریاضیات و نجوم و احکام نجوم از دانشمندان معروف اسلامی در این کتابخانه وجود داشت که نظیر آنها در کمتر کتابخانه‌ای در دنیا دیده می‌شود.

قسمتی از این کتابخانه به اسناد، و از آن جمله اسناد دوره حکومت علویها اختصاص دارد، چنانکه بخشی از این کتابخانه نیز به ترمیم و بازسازی نسخه‌ها مربوط می‌شود که کتابها را به صورت فنی و با تکنیک پیشرفته توسط افرادی تعلیم یافته در کشورهای غربی، بازسازی می‌کنند.

خطابی پس از آنکه اظهار داشت سمپوزیم هماهنگی نسخه‌های خطی در رباط سودمند و موفق بوده به بنده گفت مقاله‌ای را که شما در این سمپوزیم راجع به آن سخنرانی کردید با خط زیبایتان دیدم و از آن بهره‌مند شدم. وی مطالبی پیرامون اسناد

موجود در "الخزانة الحسنية" را یادآور شد و می‌گفت در زمان ریاست جمهوری جرج واشنگتن، مغرب اولین حکومتی بود که این کشور را به رسمیت شناخت! در این کتابخانه نسخ خطی اندلسی مربوط به پس از سقوط حکومت مسلمانان در آنجا، و نسخه‌هایی که در شرق تحریر شده وجود دارد، اما فاقد نسخه‌های خطی به زبانهای فارسی و ترکی هستیم. و نسخه‌هایی که از دانشمندان ایرانی است در این کتابخانه عموماً به زبان عربی است.

تاکنون شش مجلد فهرست برای نسخه‌های خطی "الخزانة الحسنية" تدوین شده که همه مجلدات ششگانه را هنگام تودیع، به اینجانب اهداء کرد، و اظهار می‌داشت مجلد هفتم در دست تدوین است، و فهرست نسخ خطی فقه ممکن است به چهار مجلد برسد. پیدا است که اکثر این کتب فقهی مربوط به "مالکیها" است.

کهنترین مصحفی که در این کتابخانه وجود دارد به اواخر سده دوم هجری می‌پیوندد که عایشه عبدالرحمن با بهره‌گیری از دو نسخه نفیس، آنرا فراهم آورد. و دو نسخه یکی دیوان ابوالعلاء معری، و دیگری به نام "الصاهل الشاحج" طبق اظهار آقای خطابی در این کتابخانه وجود دارد که به جهاتی در دنیا منحصر به فرد می‌باشد.

آقای خطابی که مردی وقور و سنگین و آرام به نظر می‌رسید از شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی، و از خاندان عبدالکریم خطابی است که در نهضت‌های استقلال شمال مغرب برای نجات از یوغ استعمار اسپانیا، نامور می‌باشند. و خود نیز از کتابشناسان و نسخه‌شناسان معروف بین‌المللی است.

در این دیدار آقای دعوتی و جناب آقای باطنی از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در رباط، این بنده را همراهی می‌کردند و همگی ما با خاطره‌ای خوش و بهره‌هایی فراوان و با دستی پر از معلومات و اطلاعات مربوط به "الخزانة الحسنية" با آقای خطابی تودیع و خداحافظی کردیم.

– دیدار از دانشکده ادبیات دانشگاه "محمدالخامس"

حدود ساعت پنج بعدازظهر روز دوشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۷۲ همراه جناب آقای دعوتی و برادر عزیزمان آقای سعید باطنی دیداری از این دانشکده داشتیم. پس از چند دقیقه انتظار در دفتر گروه، سرانجام، اجتماعی از اساتید در همین دفتر به هم رسید. اساتیدی که در جمع ما حضور به هم رساندند عبارت بودند از:

۱- دکتر معداوی رئیس گروه ادبیات عرب دانشکده ادبیات دانشگاه "محمدالخامس"

۲- دکتر عباس جراری، از اعضاء این گروه، و عضو آکادمی پادشاهی مغرب، و نائب رئیس جمعیت فرهنگی اجتماعی "رباط الفتح"

۳- دکتر احمد علوی از اعضاء همین گروه.

بنا بود دکتر لوزی که سابقاً از شاگردان نگارنده در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران بوده، و هم‌اکنون از اساتید کرسی زبان فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه "محمدالخامس" می‌باشد به جمع ما پیوندد، لکن چون پدرشان سخت بیمار بود و ناگزیر باید او را به بیمارستان می‌برد نتوانست در این جلسه حضور یابد.

دکتر معداوی پس از آنکه مقدم ما را گرامی داشت دو تن یعنی آقایان جراری و علوی را از بنیانگذاران گروه ادبیات عرب معرفی کرد، و یادآور شد که آقای دکتر عباس جراری دانشجویان زیادی را برای کارشناسی درباره نسخه‌های خطی تربیت کرده است. دکتر معداوی خاطرنشان ساخت: ما علاقه‌مندیم و توانایی داریم با دانشگاهها و استادان جمهوری اسلامی ایران ارتباط و همکاری و مبادلاتی سازنده داشته باشیم.

دکتر علوی یادآور شد نقطه‌های مشترک برای مبادله و همکاری میان ما و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که در فرهنگ قدیم عربی اسلامی و ایران به چشم می‌خورد، وی سپس گفت: دکتر محمد بن تاویت در این دانشکده تدریس می‌کرد که در مصر تحصیل کرده بود و نزد اساتیدی مانند دکتر عزام و دکتر یحیی‌الخشاب و دیگران زبان فارسی را فراگرفته بود. وی "چهار مقاله نظامی عروضی" را به زبان عربی نیز برگردان کرد.

روابط فرهنگی عربها با ایران از قرن پنجم هجری به بعد - که کمابیش کتابها در ایران به زبان فارسی تألیف می‌شد - گسسته شد و باید این رشته از هم گسیخته را از این پس به هم پیوند داد.

آقای دکتر معداوی اظهار کرد برای بررسی روابط و همکاری فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران از طریق سفارت آن در رباط آمادگی دارد، و پیشنهاد کرد هیأتی مرکب از چندتن اساتید گروه به ریاست "استاد لوزی" استاد کرسی ادبیات فارسی این گروه فراهم آیند تا به طور مستمر با نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط باشد و

پیشنهادها را به ایران ارائه دهد.

دکتر جراری ضمن اظهار خوشوقتی از بهبود یافتن مناسبات میان دو کشور ایران و مغرب، ادامه داد همانگونه که رئیس گروه اشاره کردند با توجه به اینکه این مناسبات بهبود یافته می‌توانیم همکاری فرهنگی را آغاز کنیم، و تشکیل هیأت مذکور برای پی‌گیری ضروریات و طرق همکاری میان طرفین بسیار به جاست.

به درخواست دکتر فاروق حماده رئیس گروه مطالعات اسلامی دانشکده ادبیات دانشگاه "محمدالخامس" دیداری برای معارفه با نامبرده و چند تن از اساتید گروه صورت گرفت و آقای دکتر فاروق اساتید را معرفی کرده و یادآور شد که چندی قبل در کنفرانس هزاره شیخ مفید در قم شرکت کرده و کتابخانه مرحوم آية‌العظمیٰ مرعشی را بازدید نموده، و لذا اطلاعاتی درباره آن کتابخانه اظهار کرد مبنی بر اینکه کتابخانه مذکور کم‌نظیر بوده و حاوی پنجاه هزار مجلد نسخه خطی و سیصد و پنجاه هزار مجلد نسخه چاپی است.

آقای دکتر فاروق حماده به معرفی دکتر احمدالبشیر روی آورد و گفت: ایشان از استادان گروه مطالعات اسلامی و نویسنده مقالات مذهبی در روزنامه "العلم"، ارگان حزب استقلال مغرب می‌باشد. وی یادآور شد این گروه ده سال پیش تأسیس شده، و لذا پایان‌نامه‌هایی که در این گروه وجود دارد شمار اندکی را تشکیل می‌دهند، و آقایان دکتر احمد بیونی، استاد اصول و مبانی دینی، و احمد ابوزید، استاد علوم قرآن و حدیث را از فارغ‌التحصیلان اخیر این گروه برشمرده که هم اکنون در این گروه سرگرم تدریس هستند.

در پایان راجع به گروه علوم قرآن و حدیث سؤال کردیم که دارای چه برنامه‌های درسی است؟

اظهار داشتند این گروه در دوره لیسانس و فوق لیسانس دارای برنامه درسی است که این برنامه‌ها را در اختیار بنده قرار داد، لکن اظهار داشت دوره دکتری برنامه درسی ندارد و دانشجویان فقط با نوشتن پایان‌نامه و دفاع از آن، در این دوره فارغ‌التحصیل می‌گردند.

– دیدار از مسجد دارالبیضاء (کازابلانکا)

در یکی از روزها عازم دیدار مسجدی شدیم که در "دارالبیضاء" (کازابلانکا) بناء و

ساختمان آن از ساحل دریا تا درون آن پیش رفته بود. با دشواریها و بازرسیهای فرساینده‌ای سرانجام توانستیم بر صحن مسجد و درون آن - همراه با برادر دانشمند جناب آقای دعوتی - راه یابیم. مسجدی بس شکوهمند و بسیار گسترده که ده‌ها هزار جمعیت را برای اقامه نماز می‌تواند در خود پذیرا باشد با سقفهای مرتفع و مزین که بر استوانه‌های بس تنومند افراشته شده و مأذنه آن تا آنجا که نگارنده به یاد دارد از لحاظ ضخامت قطر و زیبایی در دنیا کم‌نظیر است. موجهای بلند و خروشان دریا بر دیواره‌های مسجد از آن سوی مقابل ساحل می‌تازند، این مسجد دارای پارکینگی زیرزمینی است که تا عمق دریا و در سوی آن پیش‌رفته است. عکسها و فیلمهایی کوتاه از چند جای مسجد فراهم آمد. و چون اجازه ندادند فرصت بیشتری را برای دیدار این مسجد که در حال اتمام است داشته در صحن و درون مسجد بمانیم هر چه زودتر آنجا را ترک گفته و عازم بازگشت به رباط شدیم.

و سرانجام این مرحله علمی و فرهنگی به پایان رسید. در اینجا بر خود فرض می‌دانم از محبتها و مساعدتها و عنایات سرور گرامی و ارجمند جناب آقای جعفر شمسائی سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در رباط و برادر دانشمند حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای میرابوالفتح دعوتی، و برادر بزرگوار جناب آقای سعید باطنی و برادر عزیز محمود محمدی و همه کارکنان سفارت که از بذل هرگونه محبت و مساعدت و همکاری با این بنده دریغ نفرموده‌اند سپاسگزاری نموده، و از خداوند متعال توفیق همگان را در خدمت به آرمان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران درخواست می‌نمایم.